

عهد پادشاه

مزمور 101

مزمور داود

1 رحمت و انصاف را خواهم سراپید. نزد تو ای خداوند تسبیح خواهم خواند.

2 در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهم نمود. نزد من کی خواهی آمد؟ در خانه خود با دل سلیم سالک خواهم شد.

3 چیز بد را پیش نظر خود نخواهم گذاشت. کار کج روان را مکروه میدارم به من نخواهد چسبید.

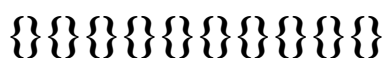
4 دل کج از من دور خواهد شد. شخص شریر را نخواهم شناخت.

5 کسی را که در خُفیه به همسایه خود غیبت گوید، هلاک خواهم کرد. کسی را که چشم بلند و دل متکبر دارد تحمّل نخواهم کرد.

6 چشمانم بر امنای زمین است تا با من ساکن شوند. کسی که به طریق کامل سالک باشد، خادم من خواهد بود.

7 حيله گر در خانه من ساکن نخواهد شد. دروغ گو پیش نظر من نخواهد ماند.

8 همه شریران زمین را صبحگاهان هلاک خواهم کرد تا جمیع بدکاران را از شهر خداوند منقطع سازم.



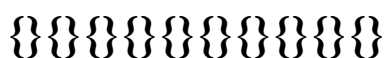
دعا در پریشانی

مزمور 102

دعای مسکین وقتی که پریشان حال شده،
نالاه خود را به حضور بیهوده می ریزد.

- 1 ای خداوند دعای مرا بشنو و فریاد من نزد تو برسد.
- 2 در روز تنگی ام روی خود را از من مپوشان. گوش خود را به من فراگیر و روزی که بخوانم مرا به زودی اجابت فرما.
- 3 زیرا روزهایم مثل دود تلف شد و استخوانهایم مثل هیزم سوخته گردید.
- 4 دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است زیرا خوردن غذای خود را فراموش می کنم.
- 5 به سبب آواز ناله خود، استخوانهایم به گوشت من چسبیده است.
- 6 مانند مرغ سقّای صحرا شده، و مثل بوم خرابه ها گردیده ام.
- 7 پاسبانی می کنم و مثل گنجشک بر پشت بام، منفرد گشته ام.
- 8 تمامی روز دشمنانم مرا سرزنش می کنند و آنانی که بر من دیوانه شده اند مرا لعنت می نمایند.
- 9 زیرا خاکستر را مثل نان خورده ام و مشروب خود را با اشک آمیخته ام،
- 10 به سبب غضب و خشم تو زیرا که مرا برافراشته و به زیر افکنده ای.
- 11 روزهایم مثل سایه زوال پذیر گردیده و من مثل گیاه پژمرده شده ام.
- 12 لیکن تو ای خداوند جلوس فرموده ای تا ابدالآباد و ذکر تو تا جمیع نسلها است
- 13 تو برخاسته، بر صهیون ترحم خواهی نمود زیرا وقتی است که بر او رأفت کنی و زمان معین رسیده است.

- 14** چونکه بندگان تو در سنگهای وی رغبت دارند و بر خاک او شفقت مینمایند.
- 15** پس امت ها از نام خداوند خواهند ترسید و جمیع پادشاهان جهان از کبریایی تو.
- 16** زیرا خداوند صهیون را بنا نموده است و در جلال خود ظهور فرموده است.
- 17** به دعای مسکینان توجه نموده و دعای ایشان را خوار نشمرده است.
- 18** این برای نسل آینده نوشته می شود تا قومی که آفریده خواهند شد خداوند را تسبیح بخوانند.
- 19** زیرا که از بلندی قدس خود نگریسته. خداوند از آسمان بر زمین نظر افکنده است.
- 20** تا ناله اسیران را بشنود و آنانی را که به موت سپرده شده اند، آزاد نماید.
- 21** تا نام خداوند را در صیهون ذکر نمایند و تسبیح او را در اورشلیم
- 22** هنگامی که قوم ها با هم جمع شوند و ممالک نیز تا خداوند را عبادت نمایند.
- 23** توانایی مرا در راه ناتوان ساخت و روزهای مرا کوتاه گردانید.
- 24** گفتم: « ای خدای من مرا در نصف روزهایم برمدار. سالهای تو تا جمیع نسل ها است.
- 25** از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمان ها عمل دستهای تو است.
- 26** آنها فانی می شوند، لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامه مندرس خواهد شد.
- 27** لیکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید.
- 28** فرزندان بندگانت باقی خواهند ماند و ذرّیت ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود.»



ستایش خدا

مزمور 103

مزمور داود

- 1** ای جان من خداوند را متبارک بخوان و هرچه در درون من است نام قدّوس او را متبارک خواند.
- 2** ای جان من خداوند را متبارک بخوان و جمیع احسانهای او را فراموش مکن
- 3** که تمام گناهانت را می آمرزد و همه مرض های تو را شفا می بخشد.
- 4** که حیات تو را از هاویه فدیة می دهد و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می نهد
- 5** که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود.
- 6** خداوند عدالت را به جا می آورد و انصاف را برای جمیع مظلومان.
- 7** طریقه های خویش را به موسی تعلیم داد و عمل های خود را به بنی اسرائیل.
- 8** خداوند رحمان و کریم است؛ دیر غضب و بسیار رحیم.
- 9** تا به ابد محاکمه نخواهد نمود و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت.
- 10** با ما موافق گناهان ما عمل ننموده، و به ما به حسب خطایای ما جزا نداده است.
- 11** زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است.
- 12** به اندازه ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است.

13 چنانکه پدر بر فرزندان خود رئوف است، همچنان خداوند بر فرستندگان خود رأفت می نماید.

14 زیرا جبلت ما را می داند و یاد می دارد که ما خاک هستیم.

15 و اما انسان، ایام او مثل گیاه است. مثل گل صحرا همچنان می شکفت.

16 زیرا که باد بر آن می وزد و نابود می گردد و مکانش دیگر آن را نمیشناسد.

17 لیکن رحمت خداوند بر ترسندگانش از ازل تا ابدالآباد است و عدالت او بر فرزندان فرزندان.

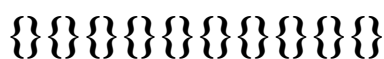
18 بر آنانی که عهد او را حفظ می کنند و فرایض او را یاد می دارند تا آنها را به جا آورند.

19 خداوند تخت خود را بر آسمانها استوار نموده، و سلطنت او بر همه مسلط است.

20 خداوند را متبارک خوانید، ای فرشتگان او که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می آورید و آواز کلام او را گوش می گیرید.

21 ای جمیع لشکرهای او خداوند را متبارک خوانید و ای همه خادمان او که اراده او را بجا می آورید.

22 ای همه کارهای خداوند او را متبارک خوانید. در همه مکان های سلطنت او. ای جان من خداوند را متبارک بخوان.



ستایش خداوند

مزمور 104

- 1** ای جان من خداوند را متبارک بخوان. ای یهوه خدای من تو بی نهایت عظیم هستی. به عزّت و جلال ملبّس هستی.
- 2** خویشان را به نور مثل ردا پوشانیده ای. آسمانها را مثل پرده پهن ساخته ای.
- 3** آن که غرفات خود را بر آبها بنا کرده است و ابرها را مرکب خود نموده و بر بالهای باد می خرامد.
- 4** فرشتگان خود را بادهای می گرداند و خادمان خود را آتش مشتعل.
- 5** که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا جنبش نخورد تا ابدالآباد.
- 6** آن را به لجه ها مثل ردا پوشانیده ای، که آبها بر کوهها ایستاده اند.
- 7** از عتاب تو می گریزند. از آواز رعد تو پراکنده می شوند.
- 8** به فراز کوهها بر می آیند و به همواریها فرود می آیند. به مکانی که برای آنها مهیا ساخته ای.
- 9** حدی برای آنها قرار داده ای که از آن نگذرنند و برنگردند تا زمین را بپوشانند.
- 10** که چشمه ها را در وادیها جاری می سازد تا در میان کوهها روان بشوند.
- 11** تمام حیوانات صحرا را سیراب می سازند تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند.
- 12** بر آنها مرغان هوا ساکن می شوند و از میان شاخه ها آواز خود را میدهند.

13 او از غرفات خود کوهها را سیراب می کند و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می شود.

14 نباتات را برای بهایم می رویاند و سبزه ها را برای خدمت انسان و نان را از زمین بیرون می آورد.

15 و شراب را که دل انسان را شادمان می کند و چهره او را به روغن شاداب می سازد و دل انسان را به نان قوی می گرداند.

16 درختان خد/وند شادابند، یعنی سروهای آزاد لبنان که غرس کرده است.

17 که در آنها مرغان آشیانها خود را می گیرند و اما صنوبرخانه لک لک می باشد.

18 کوههای بلند برای بزهای کوهی و صخره ها برای یربوع ملجاء است.

19 ماه را برای موسمها ساخت و آفتاب مغرب خود را می داند.

20 تاریکی می سازی و شب می شود که در آن همه حیوانات جنگلی راه می روند.

21 شیر بچگان برای شکار خود غرّش می کنند و خوراک خویش را از خدا می جویند.

22 چون آفتاب طلوع می کند جمع می شوند و در بیشه های خود میخوابند.

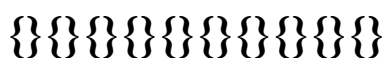
23 انسان برای عمل خود بیرون می آید و به جهت شغل خویش تا شامگاه.

24 ای خد/وند اعمال تو چه بسیار است. جمیع آنها را به حکمت کرده ای. زمین از دولت تو پر است.

25 و آن دریای بزرگ و وسیع الاطراف نیز که در آن حشرات از حدّ شماره زیاده اند و حیوانات خرد و بزرگ.

26 و در آن کشتیها راه می روند و آن لویاتان که به جهت بازی کردن در آن آفریده ای.

- 27** جمیع اینها از تو انتظار می کشند تا خوراک آنها را در وقتش برسانی.
- 28** آنچه را که به آنها می دهی، فرا می گیرند دست خود را باز می کنی. پس از چیزهای نیکو سیر می شوند.
- 29** روی خود را می پوشانی، پس مضطرب می گردند. روح آنها را قبض می کنی، پس می میرند و به خاک خود برمی گردند.
- 30** چون روح خود را می فرستی، آفریده می شوند و روی زمین را تازه می گردانی.
- 31** جلال خداوند تا ابدالآباد است. خداوند از اعمال خود راضی خواهد بود.
- 32** که به زمین نگاه می کند و آن می لرزد. کوهها را لمس می کند، پس آتش فشان می شوند.
- 33** خداوند را خواهم سراپید تا زنده می باشم. برای خدای خود تسبیح خواهم خواند تا وجود دارم.
- 34** تفکر من او را لذیذ بشود و من در خداوند شادمان خواهم بود.
- 35** گناهکاران از زمین نابود گردند و شریران دیگر یافت نشوند. ای جان من، خداوند را متبارک بخوان! هلولیاه!



کارهای خدا برای قوم او

مزمور 105

1 یهوه را حمد گویند و نام او را بخوانید. اعمال او را در میان قومها اعلام نمایید.

2 او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید. در تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید.

3 در نام قدّوس او فخر کنید. دل طالبان خداوند شادمان باشد.

4 خداوند و قوّت او را بطلبید. روی او را پیوسته طالب باشید.

5 کارهای عجیب را که او کرده است به یاد آورید. آیات او و داوریهای دهان او را.

6 ای ذریت بنده او ابراهیم، ای فرزندان یعقوب برگزیده او،

7 یهوه خدای ماست. داوریهای او در تمامی جهان است.

8 عهد خود را یاد می دارد تا ابدالآباد و کلامی را که بر هزاران پشت فرموده است.

9 آن عهدی را که با ابراهیم بسته و قسمی را که برای اسحاق خورده است.

10 و آن را برای یعقوب فریضه ای استوار ساخت و برای اسرائیل عهد جاودانی.

11 و گفت که زمین کنعان را به تو خواهم داد تا حصّه میراث شما شود.

12 هنگامی که عددی معدود بودند، قلیل العدد و غربا در آنجا.

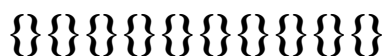
13 و از امتی تا امتی سرگردان می بودند و از یک مملکت تا قوم دیگر.

14 او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود

15 که بر مسیحان من دست مگذارید و انبیای مرا ضرر مرساندی.

- 16** پس قحطی را بر آن زمین خواند تمامی قوام نان را شکست
- 17** و مردی پیش روی ایشان فرستاد، یعنی یوسف را که او را به غلامی فروختند.
- 18** پایهای وی را به زنجیرها خستند و جان او در آهن بسته شد،
- 19** تا وقتی که سخن او واقع شد و کلام خداوند او را امتحان نمود.
- 20** آنگاه پادشاه فرستاده، بندهای او را گشاد و سلطان قوم ها او را آزاد ساخت.
- 21** او را بر خانه خود حاکم قرار داد و مختار بر تمام مایملک خویش،
- 22** تا به اراده خود سروران او را بند نماید و مشایخ او را حکمت آموزد.
- 23** پس اسرائیل به مصر در آمدند و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت.
- 24** و او قوم خود را به غایت بارور گردانید و ایشان را از دشمنان ایشان قوی تر ساخت.
- 25** لیکن دل ایشان را برگردانید تا بر قوم او کینه ورزند و بر بندگان وی حيله نمایند.
- 26** بنده خود موسی را فرستاد و هارون را که برگزیده بود.
- 27** کلمات و آیات او را در میان ایشان اقامه کردند و عجایب او را در زمین حام.
- 28** ظلمت را فرستاد که تاریک گردید. پس به کلام او مخالفت نورزیدند.
- 29** آبهای ایشان را به خون مبدل ساخت و ماهیان ایشان را می رانید.
- 30** زمین ایشان غوکها را به ازدحام پیدا نمود، حتی در حرماهای پادشاهان ایشان.
- 31** او گفت و انواع مگسها پدید آمد و پشه ها در همه حدود ایشان.
- 32** تگرگ را به عوض باران بارانید و آتش مشتعل را در زمین ایشان.

- 33** موها و انجیرهای ایشان را زد و درختان مدّال ایشان را بشکست.
- 34** او گفت و ملخ پدید آمد و کرمها از حدّ شماره افزون.
- 35** و هر سهم را در زمین ایشان بخوردند و میوه های زمین ایشان را خوردند.
- 36** و جمیع نخست زادگان را در زمین ایشان زد. اوایل تمامی قوّت ایشان را.
- 37** و ایشان را با طلا و نقره بیرون آورد که در اسباط ایشان یکی ضعیف نبود.
- 38** مصریان از بیرون رفتن ایشان شاد بودند زیرا که خوف ایشان بر آنها مستولی گردیده بود.
- 39** ابری برای پوشش گسترانید و آتشی که شامگاه روشنایی دهد.
- 40** سؤال کردند پس سلوی برای ایشان فرستاد و ایشان را از نان آسمان سیر گردانید.
- 41** صخره را بشکافت و آب جاری شد؛ در جایهای خشک مثل نهر روان گردید.
- 42** زیرا کلام مقدّس خود را به یاد آورد و بنده خویش ابراهیم را.
- 43** و قوم خود را با شادمانی بیرون آورد و برگزیدگان خویش را با ترنّم.
- 44** و زمینها امّت ها را بدیشان داد و زحمت قوم ها را شریعت وارث شدند.
- 45** تا آنکه فرایض او را نگاه دارند و شریعت او را حفظ نمایند. هلولیاه



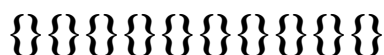
رحمت خداوند برای قوم خود

مزمور 106

- 1 هَللویاه، خداوند را حمد بگوئید زیرا که او نیکو است و رحمت او تا ابدالآباد.
- 2 کیست که اعمال عظیم خداوند را بگوید و همه تسبیحات او را بشنواند؟
- 3 خوشا بحال آنانی که انصاف را نگاه دارند و آن که عدالت را در همه وقت به عمل آورد.
- 4 ای خداوند مرا یاد کن به رضامندی که با قوم خود می داری و به نجات خود از من تفقّد نما.
- 5 تا سعادت برگزیدگان تو را ببینم و به شادمانی قوم تو مسرور شوم و با میراث تو فخر نمایم.
- 6 با پدران خود گناه نموده ایم و عصیان ورزیده، شرارت کرده ایم.
- 7 پدران ما کارهای عجیب تو را در مصر نفهمیدند و کثرت رحمت تو را به یاد نیاوردند، بلکه نزد دریا یعنی بحر قلزم فتنه انگیختند.
- 8 لیکن به خاطر اسم خود ایشان را نجات داد تا توانایی خود را اعلان نماید.
- 9 و بحر قلزم را عتاب کرد که خشک گردید پس ایشان را در لجه ها مثل بیابان رهبری فرمود.
- 10 و ایشان را از دست دشمن نجات داد و از دست خصم رهایی بخشید.
- 11 و آب دشمنان ایشان را پوشانید که یکی از ایشان باقی نماند.
- 12 آنگاه به کلام او ایمان آوردند و حمد او را سراپیدند.
- 13 لیکن اعمال او را به زودی فراموش کردند و مشورت او را انتظار نکشیدند.
- 14 بلکه شهوت برستی نمودند در بادیه و خدا را امتحان کردند در هامون.

- 15** و مسألت ایشان را بدیشان داد. لیکن لاغری در جانهای ایشان فرستاد.
- 16** پس به موسی در اردو حسد بردند و به هارون، مقدّس یهوّه.
- 17** و زمین شکافته شده، داتان را فرو برد و جماعت ابیرام را پوشانید.
- 18** و آتش در جماعت ایشان افروخته شده، شعله آتش شریران را سوزانید.
- 19** گوساله ای در حوریب ساختند و بتی ریخته شده را پرستش نمودند.
- 20** و جلال خود را تبدیل نمودند به مثال گاوی که علف می خورد.
- 21** و خدای نجات دهنده خود را فراموش کردند که کارهای عظیم در مصر کرده بود
- 22** و اعمال عجیبه را در زمین حام و کارهای ترسناک را در بحر قلزم.
- 23** آنگاه گفت که ایشان را هلاک بکند، اگر برگزیده او موسی در شکاف به حضور وی نمی ایستاد، تا غضب او را از هلاکت ایشان برگرداند.
- 24** و زمین مرغوب را خوار شمردند و به کلام وی ایمان نیاوردند.
- 25** و در خیمه های خود همه کرده و قول خداوند را استماع ننمودند.
- 26** لهذا دست خود را برایشان برافراشت که ایشان را در صحرا از پا درآورد.
- 27** و ذریت ایشان را در میان امّت ها بیندازد و ایشان را در زمینها پراکنده کند.
- 28** پس به بعل فغور پیوستند و قربانی های مردگان را خوردند.
- 29** و به کارهای خود خشم او را بهیجان آوردند و وبا بر ایشان سخت آمد.
- 30** آنگاه فینحاس بر پا ایستاده، داوری نمود و وبا برداشته شد.
- 31** و این برای او به عدالت محسوب گردید. نسل بعد نسل تا ابدالآباد.
- 32** و او را نزد آب مریبه غضبناک نمودند. حتی موسی را به خاطر ایشان آزاری عارض گردید.
- 33** زیرا که روح او را تلخ ساختند تا از لبهای خود ناسزا گفت.

- 34** و آن قوم ها را هلاک نکردند، که درباره ایشان *خداوند* امر فرموده بود.
- 35** بلکه خویشان را با امّت ها آمیختند و کارهای ایشان را آموختند.
- 36** و بتهای ایشان را پرستش نمودند تا آنکه برای ایشان دام گردید.
- 37** و پسران و دختران خویش را برای دیوها قربانی گذرانیدند
- 38** و خون بی گناه را ریختند یعنی خون پسران و دختران خود را که آن را برای بتهای کنعان ذبح کردند و زمین از خون ملوّت گردید.
- 39** و از کارهای خود نجس شدند در افعال خویش زناکار گردیدند.
- 40** لهذا خشم *خداوند* بر قوم خود افروخته شد و میراث خویش را مکروه داشت.
- 41** و ایشان را به دست امّت ها تسلیم نمود تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند، بر ایشان حکمرانی کردند.
- 42** و دشمنان ایشان بر ایشان ظلم نمودند و زیر دست ایشان ذلیل گردیدند.
- 43** بارهای بسیار ایشان را خلاصی داد. لیکن به مشورت‌های خویش بر او فتنه کردند و به سبب گناه خویش خوار گردیدند.
- 44** با وجود این، بر تنگی ایشان نظر کرد، وقتی که فریاد ایشان را شنید.
- 45** و به خاطر ایشان، عهد خود را به یاد آورد و در کثرت رحمت خویش بازگشت نمود.
- 46** و ایشان را حرمت داد، در نظر جمیع اسیرکنندگان ایشان.
- 47** ای یهوهّ خدای ما، ما را نجات ده! و ما را از میان امّت ها جمع کن تا نام قدّوس تو را حمد گوئیم و در تسبیح تو فخر نماییم.
- 48** یهوهّ خدای اسرائیل متبارک باد از ازل تا ابدالآباد. و تمامی قوم بگویند
آمین هللویاه!



ستایش نیکویی خداوند

مزمور 107

- 1 خداوند را حمد بگویید زیرا که او نیکو است و رحمت او باقی است تا ابدالآباد.
- 2 فدیة شدگان خداوند این را بگویند که ایشان را از دست دشمن فدیة داده است.
- 3 و ایشان را از بُلدان جمع کرده، از مشرق و مغرب و از شمال و جنوب.
- 4 در صحرا آواره شدند و در بادیه ای بی طریق و شهری برای سکونت نیافتند.
- 5 گرسنه و تشنه نیز شدن و جان ایشان در ایشان مستمند گردید.
- 6 آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید
- 7 و ایشان را به راه مستقیم رهبری نمود تا به شهری مسکون درآمدند.
- 8 پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب وی با بنی آدم.
- 9 زیرا که جان آرزومند را سیر گردانید و جان گرسنه را از چیزهای نیکو پر ساخت.
- 10 آنانی که در تاریکی و سایه موت نشسته بودند، که در مذلت و آهن بسته شده بودند.
- 11 زیرا که کلام خدا مخالفت نمودند و به نصیحت حضرت اعلی اهانت کردند.
- 12 و او دل ایشان را به مشقت ذلیل ساخت، بلغزیدند و مددکننده ای نبود.

13 آنگاه در تنگی خود نزد *خداوند* فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.

14 ایشان را از تاریکی و سایه موت بیرون آورد و بندهای ایشان را بگسست.

15 پس *خداوند* را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم.

16 زیرا که دروازه های برنجین را شکسته، و بندهای آهنین را پاره کرده است.

17 احمقان به سبب طریق شریرانه خود و به سبب گناهان خویش، خود را ذلیل ساختند.

18 جان ایشان هر قسم خوراک را مکروه داشت و به دروازه های موت نزدیک شدند.

19 آنگاه در تنگی خود نزد *خداوند* فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.

20 کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا بخشید و ایشان را از هلاکتهای ایشان رهانید.

21 پس *خداوند* را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم.

22 و قربانی های تشکر را بگذرانند و اعمال وی را به ترنم ذکر کنند.

23 آنانی که در کشتیها به دریا رفتند، و در آبهای کثیر شغل کردند.

24 اینان کارهای *خداوند* را دیدند و اعمال عجیب او را در لجه ها.

25 او گفت پس باد تند را وزانید و امواج آن را برافراشت.

26 به آسمانها بالا رفتند و به لجه ها فرود شدند و جان ایشان از سختی گداخته گردید.

27 سرگردان گشته، مثل مستان افتادند و خیزان شدند و عقل ایشان تماماً حیران گردید.

28 آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.

29 طوفان را به آرامی ساکت ساخت که موجهایش ساکن گردید.

30 پس مسرور شدند زیرا که آسایش یافتند و ایشان را به بندر مراد ایشان رسانید.

31 پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و بسبب کارهای عجیب او با بنی آدم.

32 و او را در مجمع قوم متعال بخوانند و در مجلس مشایع او را تسبیح بگویند.

33 او نهرها را به بادیه مبدل کرد و چشمه های آب را به زمین تشنه.

34 و زمین بارور را نیز به شوره زار، به سبب شرارت ساکنان آن.

35 بادیه را به دریاچه آب مبدل کرد و زمین خشک را به چشمه های آب.

36 و گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت بنا نمودند.

37 و مزرعه ها کاشتند و تاکستانها غرس نمودند و حاصل غله به عمل آوردند.

38 و ایشان را برکت داد تا به غایت کثیر شدند و بهایم ایشان را نگذارد کم شوند.

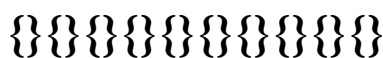
39 و باز کم گشتند و ذلیل شدند، از ظلم و شقاوت و حزن.

40 ذلت را بر رؤسا می ریزد و ایشان را در بادیه ای که راه ندارد آواره می سازد.

41 اما مسکین را از مشقتش بر می افرازد و قبیله ها را مثل گله ها برایش پیدا میکند.

42 صالحان این را دیده، شادمان می شوند و تمامی شرارت دهان خود را خواهد بست.

43 کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید؟ که ایشان رحمت های خداوند را خواهند فهمید.

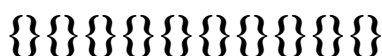


طلب کمک علیه دشمنان

مزمور 108

سرود و مزمور داود

- 1 ای خدا دل من مستحکم است. من خواهم سرایید و تترّم خواهم نمود و جلال من نیز.
- 2 ای عود و بربط بیدار شوید. من نیز در سحرگاه بیدار خواهم شد.
- 3 ای خداوند، تو را در میان قوم ها حمد خواهم گفت و در میان طایفه ها تو را خواهم سرایید.
- 4 زیرا که رحمت تو عظیم است، فوق آسمانها! و راستی تو تا افلاک می رسد.
- 5 ای خدا، بر فوق آسمانها متعال باش و جلال تو بر تمامی زمین.
- 6 تا محبوبان تو خلاصی یابند. به دست راست خود نجات ده و مرا اجابت فرما.
- 7 خدا در قدّوسیت خود سخن گفته است، پس وجد خواهم نمود. شکیم را تقسیم می کند و وادی سکوت را خواهم پیمود.
- 8 جلعاد از آن من است و منسّی از آن من. و افرایم خود سر من. و یهودا عصای سلطنت من.
- 9 موآب ظرف شست و شوی من است، و بر ادوم نعلین خود را خواهم انداخت و بر فلسطین فخر خواهم نمود.
- 10 کیست که مرا به شهر حصین درآورد؟ کیست که مرا به ادوم رهبری نماید؟
- 11 آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده ای؟ و تو ای خدا که با لشکرهای ما بیرون نمی آیی؟
- 12 ما را بر دشمن امداد فرما، زیرا که مدد انسان باطل است.
- 13 در خدا با شجاعت کار خواهیم کرد و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود.



شکایت مرد رنجیده

مزمور 109

برای سالار مغنیان. مزمور داود

- 1 ای خدای تسبیح من خاموش مباش.
- 2 زیرا که دهان شرارت و دهان فریب را بر من گشوده اند، و به زبان دروغ بر من سخن گفته اند.
- 3 به سخنان کینه مرا احاطه کرده اند و بی سبب با من جنگ نموده اند.
- 4 به عوض محبت من، با من مخالفت می کنند، و اما من دعا.
- 5 و به عوض نیکویی به من بدی کرده اند و به عوض محبت، عداوت نموده.
- 6 مردی شریر را بر او بگمار، و دشمن به دست راست او بایستد.
- 7 هنگامی که در محاکمه بیاید، خطاکار بیرون آید و دعای او گناه بشود.
- 8 ایام عمرش کم شود و منصب او را دیگری ضبط نماید.
- 9 فرزندان او یتیم بشوند و زوجه وی بیوه گردد.
- 10 و فرزندان او آواره شده، گدایی بکنند و از خرابه های خود قوت را بجویند.
- 11 طلبکار تمامی مایملک او را ضبط نماید و اجنبیان محنت او را تاراج کنند.
- 12 کسی نباشد که بر او رحمت کند و بر یتیمان وی احدی رأفت ننماید.
- 13 ذریت وی منقطع گردند و در طبقه بعد نام ایشان محو شود.
- 14 عصیان پدرانش نزد خداوند به یاد آورده شود و گناه مادرش محو نگردد.
- 15 و آنها در مدّ نظر خداوند دائماً بماند تا یادگاری ایشان را از زمین ببرد.
- 16 زیرا که رحمت نمودن را به یاد نیاورد، بلکه بر فقیر و مسکین جفا کرد و بر شکسته دل تا او را به قتل رساند.

17 چون که لعنت را دوست می داشت، بدو رسیده و چون که برکت را نمیخواست، از او دور شده است.

18 و لعنت را مثل ردای خود در بر گرفت و مثل آب به شکمش درآمد و مثل روغن در استخوانهای وی.

19 پس مثل جامه ای که به آن همیشه بسته می شود، خواهد بود.

20 این است اجرت مخالفانم از جانب خداوند و برای آنانی که بر جان من بدی می گویند.

21 اما تو ای یهوه خداوند، به خاطر نام خود با من عمل نما. چون که رحمت تو نیکوست، مرا خلاصی ده.

22 زیرا که من فقیر و مسکین هستم و دل من در اندرونم مجروح است.

23 مثل سایه ای که در زوال باشد، رفته ام و مثل ملخ رانده شده ام.

24 زانوهایم از روزه داشتن می لرزد و گوشم از فربهی کاهیده می شود.

25 و من نزد ایشان عار گردیده ام. چون مرا می بینند سر خود را می جنبانند.

26 ای یهوه خدای من مرا اعانت فرما، و به حسب رحمت خود مرا نجات ده،

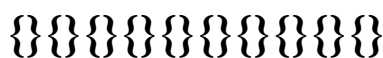
27 تا بدانند که این است دست تو، و تو خداوند این را کرده ای.

28 ایشان لعنت بکنند، اما تو برکت بده. ایشان برخیزند و خجل گردند و اما بنده تو شادمان شود.

29 جفا کنندگانم به رسوایی ملبّس شوند و خجالت خویش را مثل ردا بپوشند.

30 خداوند را به زبان خود بسیار تشکر خواهم کرد و او را در جماعت کثیر حمد خواهم گفت.

31 زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد تا او را از آنانیکه بر جان او فتوا می دهند برهاند.

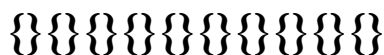


کاهت به رتبه ملکيصدق

مزمور 110

مزمور داود

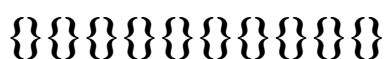
- 1 يهوه به خداوند من گفّت: « به دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم.»
- 2 خداوند عصای قوّت تو را از صهيون خواهد فرستاد. در میان دشمنان خود حکمرانی کن.
- 3 قوم تو در روز قوّت تو، هدایای تبرّعی می باشند. در زینتهای قدّوسیت، شبّیم جوانی تو از رَحِم صحرگاه برای توست.
- 4 خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبه ملکيصدق.
- 5 خداوند که به دست راست توست، در روز غضب خود پادشاهان را شکست خواهد داد.
- 6 در میان امّت ها داوری خواهد کرد. از لاشها پر خواهد ساخت و سر آنها را در زمین وسیع خواهد کوبید.
- 7 از نهر سر راه خواهد نوشید. بنابراین سر خود را برخواهد افراشت.



رحمت خداوند

مزمور 111

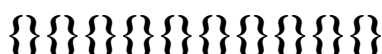
- 1 هَللویاه، خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت. در مجلس راستان و در جماعت.
- 2 کارهای خداوند عظیم است و همگانی که به آنها رغبت دارند در آنها تفتیش می کنند.
- 3 کار او جلال و کبریایی است و عدالت وی پایدار تا ابدالآباد.
- 4 یادگاری برای کارهای عجیب خود ساخته است. خداوند کریم و رحیم است.
- 5 ترسنگان خود را رزقی نیکو داده است. عهد خویش را به یاد خواهد داشت تا ابدالآباد.
- 6 قوت اعمال خود را برای قوم خود بیان کرده است تا میراث امت ها را بدیشان عطا فرماید.
- 7 کارهای دستهایش راستی و انصاف است و جمیع فرایض وی امین.
- 8 آنها پایدار است تا ابدالآباد. در راستی و استقامت کرده شده.
- 9 فدیة ای برای قوم خود فرستاد و عهد خویش را تا ابد امر فرمود. نام او قدّوس و مهیب است.
- 10 ترس خداوند ابتدای حکمت است همه عالمین آنها را خردمندی نیکو است. حمد او پایدار است تا ابدالآباد.



سعادت شخص خداترس

مزمور 112

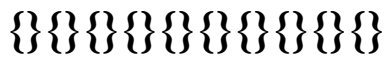
- 1 هَللویاه، خوشابحال کسی که از خد/وند می ترسد و در وصایای او بسیار رغبت دارد.
- 2 ذرّیتش در زمین زور آور خواهند بود. طبقه راستان مبارک خواهند شد.
- 3 توانگری و دولت در خانه او خواهد بود و عدالتش تا به ابد پایدار است.
- 4 نور برای راستان در تاریکی طلوع می کند. او کریم و رحیم و عادل است.
- 5 فرخنده است شخصی که رئوف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استوار می دارد.
- 6 زیرا که تا به ابد جنبش نخواهد خورد. مرد عادل تا به ابد مذکور خواهد بود.
- 7 از خبر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و بر خد/وند توکل دارد.
- 8 دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند.
- 9 بذل نموده، به فقرا بخشیده است. عدالتش تا به ابد پایدار است. شاخ او با عزّت افراشته خواهد شد.
- 10 شریر این را دیده، غضبناک خواهد شد. دندانهای خود را فشرده، گداخته خواهد گشت. آرزوی شریران زایل خواهد گردید.



محبت خداوند

مزمور 113

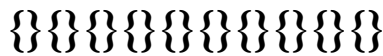
- 1 هَللویاه! ای بندگان خداوند، تسبیح بخوانید. نام خداوند را تسبیح بخوانید.
- 2 نام خداوند متبارک باد، از الآن و تا ابدالآباد.
- 3 از مطلع آفتاب تا مغرب آن، نام خداوند را تسبیح خوانده شود.
- 4 خداوند بر جمیع امّت ها متعال است و جلال وی فوق آسمانها.
- 5 کیست مانند یهوّه خدای ما که بر اعلیٰ علیین نشسته است؟
- 6 و متواضع می شود تا نظر نماید بر آسمانها و بر زمین
- 7 که مسکین را از خاک برمی دارد و فقیر را از مزبله برمی افرازد.
- 8 تا او را با بزرگان بنشانند یعنی بابزرگان قوم خویش.
- 9 زن نازاد را خانه نشین می سازد و مادر فرحناک فرزندان. هَللویاه.



سرود فصیح

مزمور 114

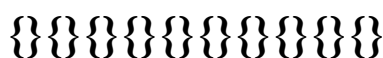
- 1 وقتی که اسرائیل از مصر بیرون آمدند، و خاندان یعقوب از قوم اجنبی زبان،
- 2 یهودا مقدّس او بود و اسرائیل محلّ سلطنت وی.
- 3 دریا این را بدید و گریخت و اردن به عقب برگشت.
- 4 کوهها مثل قوچها به جستن درآمدند و تلها مثل بره های گله.
- 5 ای دریا تو را چه شد که گریختی؟ و ای اردن که به عقب برگشتی؟
- 6 ای کوهها که مثل قوچها به جستن درآمدید و ای تلها که مثل بره های گله.
- 7 ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو و از حضور خدای یعقوب.
- 8 که صخره را دریاچه آب گردانید و سنگ خارا را چشمه آب.



در وصف خدای حقیقی

مزمور 115

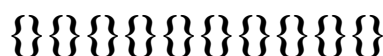
- 1 ما را نی، ای خد/وند ما را نی، بلکه نام خود را جلال ده به سبب رحمتت و به سبب راستی خویش.
- 2 امّت ها چرا بگویند که خدای ایشان الآن کجاست؟
- 3 اما خدای ما در آسمانهاست. آنچه را که اراده نمود، به عمل آورده است.
- 4 بنهای ایشان نقره و طلاست، از صنعت دستهای انسان.
- 5 آنها را دهان است و سخن نمی گویند. آنها را چشمهاست و نمیبینند.
- 6 آنها را گوشهاست و نمی شنوند. آنها را بینی است و نمی بویند.
- 7 دستها دارند و لمس نمیکنند. و پایها و راه نمیروند و به گلوی خود تنطق نمی نمایند.
- 8 سازندگان آنها مثل آنها هستند، و هر که بر آنها توکل دارد.
- 9 ای اسرائیل بر خد/وند توکل نما. او معاون و سپر ایشان است.
- 10 ای خاندان هارون بر خد/وند توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است.
- 11 ای ترسندگان خد/وند، بر خد/وند توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است.
- 12 خد/وند ما را به یاد آورده، برکت می دهد. خاندان اسرائیل را برکت خواهد داد و خاندان هارون را برکت خواهد داد.
- 13 ترسندگان خد/وند را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ.
- 14 خد/وند شما را ترقی خواهد داد، شما و فرزندان شما را.
- 15 شما مبارک خد/وند هستید که آسمان و زمین را آفرید.
- 16 آسمانها، آسمانهای خد/وند است و ازمین را به بنی آدم عطا فرمود.
- 17 مردگان نیستند که یاه را تسبیح میخوانند؛ و نه آنانی که به خاموشی فرو میروند.
- 18 لیکن ما یاه را متبارک خواهیم خواند، از الآن و تا ابدالآباد. هلولیاه



سیاسگذاری برای رهایی

مزمور 116

- 1 خداوند را محبت می نمایم زیرا که آواز من و تضرع مرا شنیده است.
- 2 زیرا که گوش خود را به من فرا داشته است، پس مدت حیات خود او را خواهم خواند.
- 3 ریسمان های موت مرا احاطه کرد و تنگیهای هاویه مرا دریافت. تنگی و غم پیدا کردم.
- 4 آنگاه نام خداوند را خواندم. "آه ای خداوند جان مرا رهایی ده"
- 5 خداوند رؤوف و عادل است و خدای ما رحیم است.
- 6 خداوند ساده دلان را محافظت می کند. ذلیل بودم و مرا نجات داد.
- 7 ای جان من به آرامی خود برگردد، زیرا خداوند به تو احسان نموده است.
- 8 زیرا که جان مرا از موت خلاصی دادی و چشمانم را از اشک و پایهایم را از لغزیدن.
- 9 به حضور خداوند سالک خواهم بود، در زمین زندگان.
- 10 ایمان آوردم پس سخن گفتم. من بسیار مستمند شدم.
- 11 در پریشانی خود گفتم که جمیع آدمیان دروغگویند.
- 12 خداوند را چه ادا کنم، برای همه احسانهایی که به من نموده است؟
- 13 پیاله نجات را خواهم گرفت و نام خداوند را خواهم خواند.
- 14 نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم او.
- 15 موت مقدّسان خداوند در نظر وی گرانبها است.
- 16 آه ای خداوند، من بنده تو هستم. من بنده تو و پسرکنیز تو هستم. بندهای مرا گشوده ای.
- 17 قربانی های تشکر نزد تو خواهم گذرانید و نام خداوند را خواهم خواند.
- 18 نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم وی،
- 19 در صحن های خانه خداوند، در اندرون تو ای اورشلیم. هلولیاه



تسبیح خداوند

مزمور 117

- 1 ای جمیع امت ها خداوند را تسبیح بخوانید. ای تمامی قبایل او را حمد گوید!
- 2 زیرا که رحمت او بر ما عظیم است و راستی خداوند تا ابدالآباد. هلولیاه!

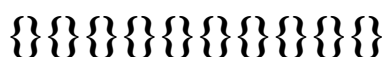
}}}}}}}}}}}}}}}}}}

سرود پیروزی

مزمور 118

- 1 خداوند را حمد گوید زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابدالآباد است.
- 2 اسرائیل را بگویند که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 3 خاندان هارون بگویند که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 4 ترسندگان خداوند بگویند که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 5 در تنگی یاه را خواندم. یاه مرا اجابت فرموده، در جای وسیع آورد.
- 6 خداوند با من است، پس نخواهم ترسید. انسان به من چه تواند کرد؟
- 7 خداوند برایم از مددکاران من است. پس من بر نفرت کنندگان خود آرزوی خویش را خواهم دید.
- 8 به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر آدمیان.
- 9 به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر امیران.
- 10 جمیع امت ها مرا احاطه کردند لیکن بنام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد.
- 11 مرا احاطه کردند و دور مرا گرفتند، لیکن بنام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد.

- 12** مثل زنبورها مرا احاطه کردند و مثل آتش خارها خاموش شدند. زیرا که به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد.
- 13** بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن خداوند مرا اعانت نمود.
- 14** خداوند قوّت و سرود من است و نجات من شده است.
- 15** آواز ترنّم و نجات در خیمه های عادلان است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند.
- 16** دست راست خداوند متعال است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند.
- 17** نمی میرم بلکه زیست خواهم کرد و کارهای یاه را ذکر خواهم نمود.
- 18** یاه مرا به شدت تنبیه نموده، لیکن مرا به موت نسپرده است.
- 19** دروازه های عدالت را برای من بگشایید. به آنها داخل شده، یاه را حمد خواهم گفت.
- 20** دروازه خداوند این است. عادلان بدان داخل خواهند شد.
- 21** تو را حمد می گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده ای.
- 22** سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زاویه شده است.
- 23** این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است.
- 24** این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود.
- 25** آه ای خداوند نجات ببخش! آه ای خداوند سعادت عطا فرما.
- 26** متبارک باد او که بنام خداوند میآید. شما را از خانه خداوند برکت می دهیم.
- 27** یهوه خدایی است که ما را روشن ساخته است. ذبیحه را به ریسمانها بر شاخهای قربانگاه ببندید.
- 28** تو خدای من هستی تو، پس ترا حمد می گویم. خدای من، ترا متعال خواهم خواند.
- 29** خداوند را حمد گویند زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابدالآباد است.



در وصف طریق و شریعت خدا

مزمور 119

(الف)

- 1 خوشا به حال کاملان طریق که به شریعت خداوند سالکند.
- 2 خوشا به حال آنانی که شهادت او را حفظ می کنند و به تمامی دل او را می طلبند.
- 3 کج روی نیز نمی کنند و به طریق های وی سلوک می نمایند.
- 4 تو وصایای خود را امر فرموده ای تا آنها را تماماً نگاه داریم.
- 5 کاش که راههای من مستحکم شود تا فرایض تو را حفظ کنم.
- 6 آنگاه خجل نخواهم شد چون تمام اوامر تو را مدّ نظر خود دارم.
- 7 تو را به راستی دل حمد خواهم گفت چون داوریهای عدالت تو را آموخته شوم.
- 8 فرایض تو را نگاه می دارم. مرا بالکلیه ترک منما.

(ب)

- 9 به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو.
- 10 به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامرتو گمراه شوم.
- 11 کلام تو رادر دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم.
- 12 ای خداوند تو متبارک هستی فرایض خود را به من بیاموز.
- 13 به لب های خود بیان کردم تمامی دآوری های دهان تو را.
- 14 در طریق شهادت تو شادمانم.

15 چنانکه در هر قسم توانگری، در وصایای تو تفکر میکنم و به طریق های تو نگران خواهم بود.

16 از فرایض تو لذت می برم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد.

(ج)

17 به بنده خود احسان بنما تا زنده شوم و کلام تو را حفظ نمایم.

18 چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم.

19 من در زمین غریب هستم. اوامر خود را از من مخفی مدار.

20 جان من شکسته می شود از اشتیاق داوریهای تو در هر وقت.

21 متکبران ملعون را توبیخ نمودی، که از اوامر تو گمراه می شوند.

22 ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که شهادت تو را حفظ کرده ام.

23 سروران نیز نشسته، به ضدّ من سخن گفتند. لیکن بنده تو در فرایض تو تفکر می کند.

24 شهادت تو نیز ابتهاج من و مشورت دهندگان من بوده اند

(د)

25 جان من به خاک چسبیده است. مرا موافق کلام خود زنده ساز.

26 راههای خود را ذکر کردم و مرا اجابت نمودی. پس فرایض خویش را به من بیاموز.

27 طریق وصایای خود را به من بفهمان و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود.

28 جانم من از حزن گداخته می شود. مرا موافق کلام خود برپا مدار.

29 راه دروغ را از من دور کن و شریعت خود را به من عنایت فرما.

30 طریق راستی را اختیار کردم و داوریهای تو را پیش خود گذاشتم.

31 به شهادت تو چسبیدم. ای خداوند مرا خجل مساز.

32 در طریق اوامر تو دوان خواهم رفت، وقتی که دل مرا وسعت دادی.

(۵)

33 ای خداوند طریق فرایض خود را به من بیاموز. پس آنها را تا به آخر نگاه خواهم داشت.

34 مرا فهم بده و شریعت تو را نگاه خواهم داشت و آن را به تمامی دل خود حفظ خواهم نمود.

35 مرا در سبیل اوامر خود سالک گردان زیرا که در آن رغبت دارم.

36 دل مرا به شهادت خود مایل گردان و نه به سوی طمع.

37 چشمانم را از دیدن بطالت برگردان و در طریق خود مرا زنده ساز.

38 کلام خود را بر بنده خویش استوار کن، که به ترس تو سپرده شده است.

39 ننگ مرا که از آن می ترسم از من دور کن زیرا که داوریهای تو نیکو است.

40 هان به وصایای تو اشتیاق دارم. به حسب عدالت خود مرا زنده ساز.

(۹)

41 ای خداوند رحمهای تو به من برسد و نجات تو به حسب کلام تو.

42 تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم زیرا بر کلام تو توکل دارم.

43 و کلام راستی را از دهانم بالکل مگیر زیرا که به داوریهای تو امیدوارم.

44 و شریعت تو را دائماً نگاه خواهم داشت تا ابدالآباد

45 و به آزادی راه خواهم رفت زیرا که وصایای تو را طلبیده ام.

46 و در شهادت تو به حضور پادشاهان سخن خواهم گفت و خجل نخواهم

شد

47 و از وصایای تو تَلذذ خواهم یافت که آنها را دوست می دارم

48 و دستهای خود را به اوامر تو که دوست می دارم بر خواهم افراشت و در فرایض تو تفکر خواهم نمود.

(ز)

49 کلام خود را با بنده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار گردانیدی.

50 این در مصیبتم تسلی من است زیرا قول تو مرا زنده ساخت.

119 متکبران مرا بسیار استهزا کردند، لیکن از شریعت تو رو نگردانیدم.

52 ای خداوند داوریهای تو را از قدیم به یاد آوردم و خویشتن را تسلی دادم.

53 حدّت خشم مرا در گرفته است، به سبب شریرانی که شریعت تو را ترک کرده اند.

54 فرایض تو سرود های من گردید، در خانه غربت من.

55 ای خداوند نام تو را در شب به یاد آوردم و شریعت تو را نگاه داشتم.

56 این بهره من گردید، زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم.

(ح)

57 خداوند نصیب من است. گفتم که کلام تو را نگاه خواهم داشت.

58 رضامندی تو را به تمامی دل خود طلبیدم. به حسب کلام خود بر من رحم فرما.

59 در راههای خود تفکر کردم و پایهای خود را به شهادت تو مایل ساختم.

60 شتابیدم و درنگ نکردم تا اوامر تو را نگاه دارم.

61 ریسمانهای شریران مرا احاطه کرد، لیکن شریعت تو را فراموش نکردم.

62 در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم برای داوریهای عدالت تو.

63 من همه ترسندگان را رفیق هستم و آنانی را که وصایای تو را نگاه می دارند.

64 ای خداوند زمین از رحمت تو پر است. فرایض خود را به من بیاموز.

(ط)

65 با بنده خود احسان نمودی، ای خداوند موافق کلام خویش.

66 خردمندی نیکو و معرفت را به من بیاموز زیرا که به اوامر تو ایمان آوردم.

67 قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم لیکن الآن کلام تو را نگاه داشتم.

68 تو نیکو هستی و نیکویی می کنی. فرایض خود را به من بیاموز.

69 متکبران بر من دروغ بستند. و اما من به تمامی دل و صایای تو را نگاه داشتم.

70 دل ایشان مثل پیه فربه است. و اما من در شریعت تو تلذذ می یابم.

71 مرا نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فرایض تو را بیاموزم.

72 شریعت دهان تو برای من بهتر است از هزاران طلا و نقره.

(ی)

73 دستهای تو مرا ساخته و آفریده است. مرا فهمم گردان تا اوامر تو را بیاموزم.

74 ترسنگان تو چون مرا بینند شادمان گردند زیرا به کلامت و امیدوار هستم.

75 ای خداوند دانسته ام که داوریهای تو عدل است و بر حقّ مرا مصیبت داده ای.

76 پس رحمت تو برای تسلی من بشود، موافق کلام تو با بنده خویش.

77 رحمت های تو به من برسد تا زنده شوم زیرا که شریعت تو تلذذ من است.

78 متکبران خجل شوند زیرا به دروغ مرا اذیت رسانیدند. و اما من در وصایای تو تفکر می کنم.

79 ترسندگان تو به من رجوع کنند و آنانی که شهادت تو را می دانند.

80 دل من در فرایض تو کامل شود، تا خجل نشوم.

(ک)

81 جان من برای نجات تو کاهیده می شود. لیکن به کلام تو امیدوار هستم.

82 چشمان من برای کلامت تار گردیده است و می گویم کی مرا تسلی خواهی داد.

83 زیرا که مثل مشک در دود گردیده ام. لیکن فرایض تو را فراموش نکرده ام.

84 چند است روزهای بنده تو؟ و کی بر جفا کنندگانم داوری خواهی نمود؟

85 متکبران برای من حفره ها زدند زیرا که موافق شریعت تو نیستند.

86 تمامی اوامر تو امین است. بر من ناحق جفا کردند. پس مرا امداد فرما.

87 نزدیک بود که مرا از زمین نابود سازند. اما من وصایای تو را ترک نکردم.

88 به سبب رحمت خود مرا زنده ساز تا شهادت دهان تو را نگاه دارم.

(ل)

89 ای خداوند کلام تو تا ابدالآباد در آسمانها پایدار است.

90 امانت تو نسلا بعد نسل است. زمین را آفریده ای و پایدار می ماند.

91 برای داوریهایی تو تا امروز ایستاده اند زیرا که همه بنده تو هستند.

92 اگر شریعت تو تلذذ من نمی بود، هرآینه در مذلت خود هلاک می شدم.

93 وصایای تو را تا به ابد فراموش نخواهم کرد زیرا به آنها مرا زنده ساخته ای.

94 من از آن تو هستم مرا نجات ده زیرا که وصایای تو را طلبیدم.

95 شریران برای من انتظار کشیدند تا مرا هلاک کنند. لیکن در شهادت تو تأمل می کنم.

96 برای هر کمالی انتهایی دیدم، لیک حکم تو بی نهایت وسیع است.

(م)

97 شریعت تو را چقدر دوست می دارم، تمامی روز تفکر من است.

98 اوامر تو مرا از دشمنانم حکیم تر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می باشد.

99 از جمیع معلمان خود فهمم تر شدم زیرا که شهادت تو تفکر من است.

100 از مشایخ خردمندتر شدم زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم.

101 پایهای خود را از هر راه بد نگاه داشتم تا آن که کلام تو را حفظ کنم

102 از داوریهای تو رو بر نگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی.

103 کلام تو به مذاق من چه شیرین است و به دهانم از عسل شیرین تر.

104 از وصایای تو فطانت را تحصیل کردم. بنابراین هر راه دروغ را مکروه می دارم.

(ن)

105 کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راههای من نور است.

106 قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود که داوریهای عدالت تو را نگاه خواهم داشت.

107 بسیار ذلیل شده ام. ای خداوند، موافق کلام خود مرا زنده ساز!

108 ای خداوند هدایای تبری دهن مرا منظور فرما و داوریهای خود را به من بیاموز.

109 جان من همیشه در کف من است، لیکن شریعت تو را فراموش نمیکنم.

110 شریران برای من دام گذاشته اند، اما از وصایای تو گمراه نشدم.

111 شهادت تو را تا به ابد میراث خود ساخته ام زیرا که آنها شادمانی دل من است.

112 دل خود را برای بجا آوردن فرایض تو مایل ساختم، تا ابدالآباد و تا نهایت.

(س)

113 مردمان دو رو را مکروه داشته ام، لیکن شریعت تو را دوست میدارم.

114 ستر و سپر من تو هستی. به کلام تو انتظار می کشم.

115 ای بدکاران، از من دور شوید! و اوامر خدای خویش را نگاه خواهم داشت.

116 مرا به حسب کلام خود تأیید کن تا زنده شوم و از امید خود خجل نگردم.

117 مرا تقویّت کن تا رستگار گردم و بر فرایض تو دائماً نظر نمایم.

118 همه کسانی را که از فرایض تو گمراه شده اند، حقیر شمرده ای زیرا که مکر ایشان دروغ است.

119 جمیع شریران زمین را مثل دُردِ هلاک می کنی. بنابراین شهادت تو را دوست می دارم.

120 موی بدن من از خوف تو برخاسته است و از داوریهای تو ترسیدم.

(ع)

- 121** داد و عدالت را به جا آوردم. مرا به ظلم کنندگانم تسلیم منما.
- 122** برای سعادت بنده خود ضامن شو تا متکبران بر من ظلم نکنند.
- 123** چشمانم برای نجات تو تار شده است و برای کلام عدالت تو.
- 124** با بنده خویش موافق رحمانیتت عمل نما و فرایض خود را به من بیاموز.
- 125** من بنده تو هستم. مرا فهیم گردان تا شهادت تو را دانسته باشم.
- 126** وقت است که خداوند عمل کند زیرا که شریعت تو را باطل نموده اند.
- 127** بنابراین اوامر تو را دوست می دارم، زیادتیر از طلا و زر خالص.
- 128** بنابراین همه وصایای تو را در هر چیز راست می دانم و هر راه دروغ را مکروه می دارم.

(ف)

- 129** شهادت تو عجیب است. ازین سبب جان من آنها را نگاه می دارد.
- 130** کشف کلام تو نور می بخشد و ساده دلان را فهیم می گرداند.
- 131** دهان خود را نیکو باز کرده، نفس زدم زیرا که مشتاق وصایای تو بودم.
- 132** بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب عادت تو به آنانی که نام تو را دوست می دارند.
- 133** قدم های مرا در کلام خودت پایدار ساز، تا هیچ بدی بر من تسلط نیابد.
- 134** مرا از ظلم انسان خلاصی ده، تا وصایای تو را نگاه دارم.
- 135** روی خود را بر بنده خود روشن ساز، و فرایض خود را به من بیاموز.

136 نهرهای آب از چشمانم جاری است زیرا که شریعت تو را نگاه
نمیدارند.

(ص)

- 137** ای خداوند تو عادل هستی و داوریهای تو راست است.
- 138** شهادت خود را به راستی امر فرمودی و به امانت الی نهایت.
- 139** غیرت من مرا هلاک کرده است زیرا که دشمنان من کلام تو را
فراموش کرده اند.
- 140** کلام تو بی نهایت مصفی است و بنده تو آن را دوست می دارد.
- 141** من کوچک و حقیر هستم، اما وصایای تو را فراموش نکردم.
- 142** عدالت تو عدل است تا ابدالآباد و شریعت تو راست است.
- 143** تنگی و ضیق مرا در گرفته است، اما اوامر تو تلذذ من است.
- 144** شهادت تو عادل است تا ابدالآباد. مرا فهیم گردان تا زنده شوم.

(ق)

- 145** به تمامی دل خوانده ام. ای خداوند مرا جواب ده تا فرایض تو را نگاه
دارم.
- 146** تو را خوانده ام، پس مرا نجات ده. و شهادت تو را نگاه خواهم
داشت.
- 147** بر طلوع فجر سبقت جسته، استغاثه کردم و کلام تو را انتظار کشیدم.
- 148** چشمانم بر پاسهای شب سبقت جست، تا در کلام تو تفکر بنمایم.
- 149** به حسب رحمت خود آواز مرا بشنو. ای خداوند موافق داوریهای خود
مرا زنده ساز.
- 150** آنانی که در پی خباثت می روند، نزدیک می آیند، و از شریعت تو
دور می باشند.

151 ای خداوند تو نزدیک هستی و جمیع اوامر تو راست است.

152 شهادت تو را از زمان پیش دانسته ام که آنها را بنیان کرده ای تا ابدالآباد.

(ر)

153 بر مذلت من نظر کن و مرا خلاصی ده زیرا که شریعت تو را فراموش نکرده ام.

154 در دعوی من دادرسی فرموده، مرا نجات ده و به حسب کلام خویش مرا زنده ساز.

155 نجات از شریران دور است زیرا که فرایض تو را نمی طلبند.

156 ای خداوند، رحمت های تو بسیار است. به حسب داوریهای خود مرا زنده ساز.

157 جفا کنندگان و خصمان من بسیارند. اما از شهادت تو رو برنگردانیدم.

158 خیانت کاران را دیدم و مکروه داشتم زیرا کلام تو را نگاه نمی دارند.

159 ببین که وصایای تو را دوست می دارم. ای خداوند به حسب رحمت خود مرا زنده ساز.

160 جمله کلام تو راستی است و تمامی داورى عدالت تو تا ابدالآباد است.

(ش)

161 سروران بی جهت بر من جفا کردند. اما دل من از کلام تو ترسان است.

162 من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسی که غنیمت وافر پیدا نموده باشد.

163 از دروغ کراهت و نفرت دارم. اما شریعت تو را دوست می دارم.

164 هر روز ترا هفت مرتبه تسبیح می خوانم، برای داوریهای عدالت تو.

165 آنانی را که شریعت تو را دوست می دارند، سلامتی عظیم است و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد.

166 ای خداوند، برای نجات تو امیدوار هستم و اوامر تو را بجا می آورم.

167 جان من شهادت تو را نگاه داشته است و آنها را بی نهایت دوست میدارم.

168 وصایا و شهادت تو را نگاه داشته ام زیرا که تمام طریق های من در مدّ نظر تو است.

(ت)

169 ای خداوند، فریاد من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا فهم گردان.

170 مناجات من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا خلاصی ده.

171 لبهای من حمد تورا جاری کند زیرا فرایض خود را به من آموخته ای.

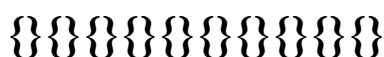
172 زبان من کلام تو را بسراید زیرا که تمام اوامر تو عدل است.

173 دست تو برای اعانت من بشود زیرا که وصایای تو را برگزیده ام.

174 ای خداوند برای نجات تو مشتاق بوده ام و شریعت تو تلذذ من است.

175 جان من زنده شود تا تو را تسبیح بخواند و داوریهاتو معاون من باشد.

176 مثل گوسند گم شده، آواره گشتم. بنده خود را طلب نما، زیرا که اوامر تو را فراموش نکردم.

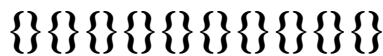


دعا در تنگی

مزمور 120

سرود درجات

- 1 نزد خداوند در تنگی خود فریاد کردم و مرا اجابت فرمود.
- 2 ای خداوند جان مرا خلاصی ده از لب دروغ و از زبان حيله گر.
- 3 چه چیز به تو داده شود و چه چیز بر تو افزوده گردد، ای زبان حيله گر؟
- 4 تیرهای تیز جباران با اخگرهای طاق!
- 5 وای بر من که در ماشک مأوا گزیده ام و در خیمه های قیدار ساکن شده ام.
- 6 چه طویل شد سکونت جان من با کسی که سلامتی را دشمن می دارد.
- 7 من از اهل سلامتی هستم. لیکن چون سخن می گویم، ایشان آماده جنگ می باشند.



اعانت الهی

مزمور 121

سرود درجات

- 1 چشمان خود را به سوی کوهها بر می افرازم، که از آنجا اعانت من می آید.
- 2 اعانت من از جانب خد/وند است، که آسمان و زمین را آفرید.
- 3 او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد. او که حافظ توست نخواهد خوابید.
- 4 اینک او که حافظ اسرائیل است، نمی خوابد و به خواب نمی رود.
- 5 خد/وند حافظ تو می باشد. خد/وند به دست راستت سایه توست.
- 6 آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید و نه ماهتاب در شب.
- 7 خد/وند تو را از هر بدی نگاه می دارد. او جان تو را حفظ خواهد کرد.
- 8 خد/وند خروج و دخولت را نگاه خواهد داشت، از الآن تا ابدالآباد.

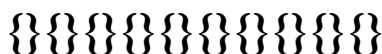


در وصف اورشلیم

مزمور 122

سرود درجات از داود

- 1 شادمان می شدم چون به من می گفتند: «به خانه خداوند برویم.»
- 2 پایهای ما خواهد ایستاد، به اندرون دروازه های تو، ای اورشلیم!
- 3 ای اورشلیم که بنا شده ای مثل شهری که تماماً با هم پیوسته باشد،
- 4 که بدانجا اسباط بالا می روند، یعنی اسباط یاه، تا شهادت باشد برای اسرائیل و تا نام یهوّه را تسبیح بخوانند.
- 5 زیرا که در آنجا کرسیهای داوری بر پا شده است، یعنی کرسیهای خاندان داود.
- 6 برای سلامتی اورشلیم مسألت کنید. آنانی که تو را دوست می دارند خجسته حال خواهند شد.
- 7 سلامتی در باره های تو باشد، و رفاهیت در قصرهای تو.
- 8 به خاطر برادران و یاران خویش، می گویم که سلامتی بر تو باد.
- 9 به خاطر خانه یهوّه خدای ما، سعادت تو را خواهم طلبید.

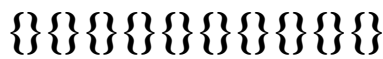


طلب کرم

مزمور 123

سرود درجات

- 1 به سوی تو چشمان خود را برمی افرازم، ای که بر آسمانها جلوس فرموده ای.
- 2 اینک مثل چشمان غلامان به سوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی به سوی خاتون خویش، همچنان چشمان ما به سوی یهوه خدای ماست تا بر ما کرم بفرماید.
- 3 ای خداوند بر ما کرم فرما، بر ما کرم فرما زیرا چه بسیار از اهانت پر شده ایم.
- 4 چه بسیار جان ما پر شده است، از استهزای مُستَریحان و اهانت متکبران.

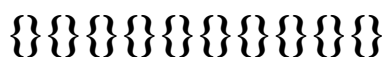


اعانت از جانب خدا

مزمور 124

سرود درجات از داود

- 1 اگر خداوند با ما نمی بود، اسرائیل الآن بگوید.
- 2 اگر خداوند با ما نمی بود، وقتی که آدمیان با ما مقاومت نمودند،
- 3 آنگاه هر آینه ما را زنده فرو می بردند، چون خشم ایشان بر ما افروخته بود.
- 4 آنگاه آبها ما را غرق می کرد و نهرها بر جان ما می گذشت.
- 5 آنگاه آبهای پر زور، از جان ما می گذشت.
- 6 متبارک باد خداوند که ما را شکار برای دندانهای ایشان نساخت.
- 7 جان ما مثل مرغ از دام صیّادان خلاص شد. دام گسسته شد و ما خلاصی یافتیم.
- 8 اعانت ما به نام یهوه است، که آسمان و زمین را آفرید.

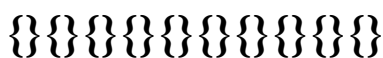


متوکلان خدا جنبش نخواهند خورد

مزمور 125

سرود درجات

- 1 آنانی که بر *خداوند* توکل دارند، مثل کوه صهیون اند که جنبش نمی خورد و پایدار است تا ابدالآباد.
- 2 کوهها گرداگرد اورشلیم است و *خداوند* گرداگرد قوم خود، از الآن تا ابدالآباد است.
- 3 زیرا که عصای شریران بر نصیب عادلان قرار خواهد گرفت، مبدا عادلان دست خود را به گناه دراز نکنند.
- 4 ای *خداوند* به صالحان احسان فرما و به آنانی که راست دل می باشند.
- 5 و اما آنانی که به راههای کج خود مایل می باشند، *خداوند* ایشان را با بدکاران رهبری خواهد نمود. سلامتی بر اسرائیل باد.

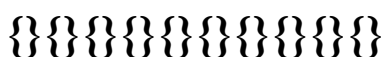


بازآوردن اسیران صهیون

مزمور 126

سرود درجات

- 1 چون *خداوند* اسیران صهیون را باز آورد، مثل خواب بینندگان شدیم.
- 2 آنگاه دهان ما از خنده پر شد و زبان ما از ترنم. آنگاه در میان امت ها گفتند: «*خداوند* با ایشان کارهای عظیم کرده است.»
- 3 *خداوند* برای ما کارهای عظیم کرده است که از آنها شادمان هستیم.
- 4 ای *خداوند* اسیران ما را باز آور، مثل نهرها در جنوب.
- 5 آنانی که با اشکها می کارند، با ترنم درو خواهند نمود.
- 6 آنکه با گریه بیرون می رود و تخم برای زراعت می برد، هرآینه با ترنم خواهد برگشت و بافه های خویش را خواهد آورد.

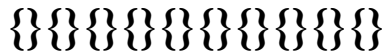


اعتماد بر خدا

مزمور 127

سرود درجات از سلیمان

- 1** اگر خداوند خانه را بنا نکند، بنیانش زحمت بی فایده می کشند. اگر خداوند شهر را پاسبانی نکند، پاسبانان بی فایده پاسبانی می کنند.
- 2** بی فایده است که شما صبح زود برمی خیزید و شب دیر می خوابید و نان مشقت را می خورید. همچنان محبوبان خویش را خواب می بخشد.
- 3** اینک پسران میراث از جانب خداوندی باشند و ثمره رحمت، اجرتی از اوست.
- 4** مثل تیرها در دست مرد زورآور، همچنان هستند پسران جوانی.
- 5** خوشابحال کسی که ترکش خود را از ایشان پر کرده است. خجل نخواهند شد بلکه با دشمنان در دروازه سخن خواهند راند.

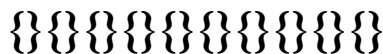


خوشابحال ترسندگان خدا

مزمور 128

سرود درجات

- 1** خوشابحال هر که از خداوند می ترسد و بر طریقهای او سالک میباشند.
- 2** عمل دستهای خود را خواهی خورد. خوشابحال تو و سعادت با تو خواهد بود.
- 3** زن تو مثل مو بارآور به اطراف خانه تو خواهد بود و پسرانت مثل نهالهای زیتون، گرداگرد سفره تو.
- 4** اینک همچنین مبارک خواهد بود کسی که از خداوند می ترسد.
- 5** خداوند تو را از صهیون برکت خواهد داد، و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلیم را خواهی دید.
- 6** پسران پسران خود را خواهی دید. سلامتی بر اسرائیل باد.

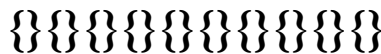


رهایی از شیران

مزمور 129

سرود درجات

- 1 چه بسیار از طفولیتّم مرا اذیت رسانیدند. اسرائیل الآن بگوید؛
- 2 چه بسیار از طفولیتّم مرا اذیت رسانیدند. لیکن بر من غالب نیامدند.
- 3 شیارکنندگان بر پشت من شیار کردند، و شیارهای خود را دراز نمودند.
- 4 اما خداوند عادل است و بندهای شیران را گسیخت.
- 5 خجل و برگردانیده شوند همه کسانی که از صهیون نفرت دارند.
- 6 مثل گیاه بر پشت بامها باشند که پیش از آنکه آنرا بچینند، می خشکد.
- 7 که درونده دست خود را از آن پر نمی کند و نه دسته بند آغوش خود را.
- 8 و راهگذران نمی گویند برکت خداوند بر شما باد. شما رابه نام خداوند مبارک می خوانیم.

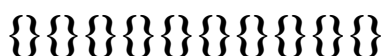


انتظار برای خدا

مزمور 130

سرود درجات

- 1 ای خداوند از عمقها نزد تو فریاد برآوردم.
- 2 ای خداوند آواز مرا بشنو و گوشهای تو به آواز تضرع من ملتفت شود.
- 3 ای یاه، اگر گناهانرا به نظر آوری، کیست ای خداوند که بحضور تو بایستد؟
- 4 لیکن مغفرت نزد توست تا از تو بترسند.
- 5 منتظر خداوند هستم. جان من منتظر است و به کلام او امیدوارم.
- 6 جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح؛ بلی زیاده از منتظران صبح.
- 7 اسرائیل برای خداوند امیدوار باشند زیرا که رحمت نزد خداوند است و نزد اوست نجات فراوان.
- 8 و او اسرائیل را فدیة خواهد داد، از جمیع گناهان وی.

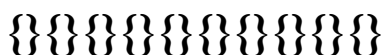


فروتنی در مقابل خدا

مزمور 131

سرود درجات از داود

- 1 ای خداوند، دل من متکبر نیست و نه چشمانم برافراشته و خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نساختم، و نه به کارهایی که از عقل من بعید است.
- 2 بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم، مثل بچه ای از شیر بازداشته شده، نزد مادر خود. جانم درمن بود، مثل بچه از شیر بازداشته شده.
- 3 اسرائیل بر خداوند امیدوار باشند، از الآن و تا ابدالآباد.

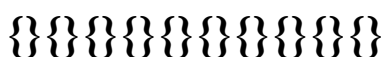


در وصف هیکل

مزمور 132

سرود درجات

- 1 ای خداوند برای داود به یاد آور، همه مذلت‌های او را.
- 2 چگونه برای خداوند قسم خورد و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود
- 3 که بخیمه خانه خود هرگز داخل نخواهم شد و بر بستر تختخواب خود برنخواهم آمد،
- 4 خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی به مژگان خویش،
- 5 تا مکانی برای خداوند پیدا کنم و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب.
- 6 اینک ذکر آن رادر افراشته شنیدیم و آن را در صحرای یعاریم یافتیم.
- 7 به مسکن های او داخل شویم و نزد قدمگاه وی پرستش نماییم.
- 8 ای خداوند به آرامگاه خود برخیز و بیا، تو و تابوت قوت تو.
- 9 کاهنان تو به عدالت ملبّس شوند و مقدّسانت ترنّم نمایند.
- 10 به خاطر بنده خود داود، روی مسیح خود را برمگردان.
- 11 خداوند برای داود به راستی قسم خورد و از آن برنخواهد گشت که: « ثمره صلب تو بر تخت تو خواهم گذاشت.
- 12 اگر پسران تو عهد مرا نگاه دارند و شهاداتم را که بدیشان می آموزم، پسران ایشان نیز بر کرسی تو تا به ابد خواهند نشست.»
- 13 زیرا که خداوند صهیون را برگزیده است و آنرا برای مسکن خویش مرغوب فرموده.
- 14 این است آرامگاه من تا ابدالآباد. اینجا ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت دارم.
- 15 آذوقه آن را هرآینه برکت خواهم داد و فقیرانش را به نان سیر خواهم ساخت،
- 16 و کاهنانش را به نجات ملبّس خواهم ساخت و مقدّسانش هرآینه ترنّم خواهند نمود.
- 17 در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید و چراغی برای مسیح خودآماده خواهم ساخت.
- 18 دشمنان او را بخجالت ملبّس خواهم ساخت و تاج او بر وی شکوفه خواهد آورد.



در وصف یکدلی

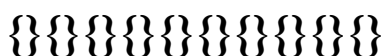
مزمور 133

سرود درجات از داود

1 اینک چه خوش و چه دلپسند است که برادران به یکدلی با هم ساکن شوند.

2 مثل روغن نیکو بر سر است که به ریش فرود می آید، یعنی به ریش هارون که به دامن ردایش فرود می آید.

3 و مثل شبنم حرمون است که بر کوههای صهیون فرود می آید. زیرا که در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است یعنی حیات را تا ابدالآباد.



تمجید خدا

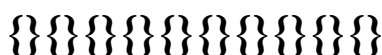
مزمور 134

سرود درجات

1 1 هان خداوند را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان خداوند که شبانگاه در خانه خداوند می ایستید.

2 1 دستهای خود را به قدس برافرازید، و خداوند را متبارک خوانید.

3 1 خداوند که آسمان و زمین را آفرید، تو را از صهیون برکت خواهد داد.



تسبیح خداوند

مزمور 135

- 1 هَللویاه، نام خداوند را تسبیح بخوانید. ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید.
- 1 ای شما که در خانه خداوند می ایستید، در صحن های خانه خدای ما.
- 3 هَللویاه، زیرا خداوند نیکو است. نام او را بسرایید زیرا که دلپسند است.
- 4 زیرا که خداوند یعقوب را برای خود برگزید، و اسرائیل را به جهت ملک خاص خویش.
- 5 زیرا میدانم که خداوند بزرگ است و خداوند ما برتر است از جمیع خدایان.
- 6 هر آنچه خداوند خواست آن را کرد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه لجه ها.
- 7 ابرها را از اقصای زمین بر می آورد و برقها را برای باران می سازد و بادها را از مخزنهای خویش بیرون می آورد.
- 8 که نخست زادگان مصر را کشت، هم از انسان هم از بهایم.
- 9 آیات و معجزات را در وسط تو ای مصر فرستاد، بر فرعون و بر جمیع بندگان وی.
- 10 که امت های بسیار را زد و پادشاهان عظیم را کشت.
- 11 سیحون پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشان و جمیع ممالک کنعان را.
- 12 و زمین ایشان را به میراث داد، یعنی به میراث قوم خود اسرائیل.
- 13 ای خداوند، نام توست تا ابدالآباد؛ و ای خداوند، یادگاری توست تا جمیع طبقات.

14 زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود.

15 بتهای امّت ها طلا و نقره می باشند، عمل دستهای انسان.

16 دهنها دارند و سخن نمی گویند؛ چشمان دارند و نمی بینند.

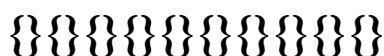
17 گوشها دارند و نمی شنوند بلکه در دهان ایشان هیچ نفّس نیست.

18 سازندگان آنها مثل آنها می باشند و هر که بر آنها توکل دارد.

19 ای خاندان اسرائیل، خداوند را متبارک خوانید، ای خاندان هارون، خداوند را متبارک خوانید.

20 ای خاندان لاوی، خداوند را متبارک خوانید. ای ترسندگان خداوند، خداوند را متبارک خوانید.

21 خداوند از صهیون متبارک باد، که در اورشلیم ساکن است. هلولیاه.



مزمور 136

- 1 خداوند را حمد گویند زیرا که نیکو است و رحمت او تا ابدالآباد است.
- 2 خدای خدایان را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 3 ربّ الارباب را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 4 او که تنها کارهای عجیب عظیم می کند، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 5 او را که آسمانها را به حکمت آفرید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 6 او را که زمین را بر آنها گسترانید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 7 او را که نیرها بزرگ آفرید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 8 آفتاب را برای سلطنت روز، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 9 ماه و ستارگان را برای سلطنت شب، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 10 که مصر را در نخست زادگانش زد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 11 و اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 12 با دست قوی و بازوی دراز، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 13 او را که بحر قلزم را به دو بهره تقسیم کرد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.
- 14 و اسرائیل را از میان آن گذرانید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

15 و فرعون و لشکر او را در بحر قلزم انداخت، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

16 او را که قوم خویش را در صحرا رهبری نمود، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

17 او را که پادشاهان بزرگ را زد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

18 و پادشاهان نامور را کشت، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

19 سیحون پادشاه اموریان را، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

20 و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

21 و زمین ایشان را به ارثیت داد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

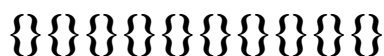
22 یعنی به ارثیت بنده خویش اسرائیل، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

23 و ما را در مذلت ما به یاد آورد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

24 و ما را از دشمنان ما رهایی داد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

25 که همه بشر را روزی می دهد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

26 خدای آسمانها را حمد گوید، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.



سرود تبعید یون

مزمور 137

1 نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم و گریه نیز کردیم، چون صهیون را به یاد آوردیم.

2 بر بطنهای خود را آویختیم بر درختان بید که در میان آنها بود.

3 زیرا آنانی که ما را به اسیر برده بودند، در آنجا از ما سرود خواستند؛ و آنانی که ما را تاراج کرده بودند، شادمانی (خواستند) که یکی از سرودهای صهیون را برای ما بسرایید.

4 چگونه سرود خد/وند را، در زمین بیگانه بخوانیم؟

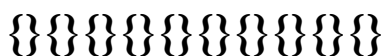
5 اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه دست راست من فراموش کند.

6 اگر تو را به یاد نیاورم، آنگاه زبانم به کامم بچسبد، اگر اورشلیم را بر همه شادمانی خود ترجیح ندهم.

7 ای خد/وند، روز اورشلیم را برای بنی ادوم به یاد آور، که گفتند منهدم سازید، تا بنیادش منهدم سازید.

8 ای دختر بابل که خراب خواهی شد، خوشابحال آنکه به تو جزا دهد چنانکه تو به ما جزا دادی.

9 خوشابحال آنکه اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخره ها بزند.

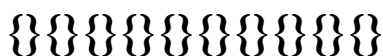


سرود حمد

مزمور 138

مزمور داود

- 1 ترا به تمامی دل خود حمد خواهم گفت. به حضور خدایان تو را حمد خواهم گفت.
- 2 به سوی هیكل قدس تو عبادت خواهم كرد و نام تو را حمد خواهم گفت، به سبب رحمت و راستی تو. زیرا کلام خویش را بر تمام اسم خود تمجید نموده ای.
- 3 در روزی که تو را خواندم مرا اجابت فرمودی. و مرا با قوت در جانم شجاع ساختی.
- 4 ای خداوند، تمام پادشاهان جهان تو را حمد خواهند گفت، چون کلام دهان تو را بشنوند.
- 5 و طریق های خداوند را خواهند سراپید، زیرا که جلال خداوند عظیم است.
- 6 زیرا که خداوند متعال است، لیکن بر فروتنان نظر می کند. و اما متکبران را از دور می شناسد.
- 7 اگر چه در میان تنگی راه می روم، مرا زنده خواهی کرد. دست خود را بر خشم دشمنانم دراز می کنی و دست راستت مرا نجات خواهد داد.
- 8 خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا ابدالآباد است. کارهای دست خویش را ترک منما.



حکمت و علم خدا

مزمور 139

برای سالار مغنیان. مزمور داود

- 1 ای خداوند مرا آزموده و شناخته ای.
- 2 تو نشستن و برخاستن مرا می دانی و فکرهای مرا از دور فهمیده ای.
- 3 راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده ای و همه طریق های مرا دانسته ای.
- 4 زیرا که سخنی بر زبان ن نیست، جز اینکه تو ای خداوند آن را تماماً دانسته ای.
- 5 از عقب و از پیش مرا احاطه کرده ای و دست خویش را بر من نهاده ای.
- 6 این گونه معرفت بر ایم زیاده عجیب است. و بلند است که بدان نمی توانم رسید.
- 7 از روح تو کجا بروم و از حضور تو کجا بگریزم؟
- 8 اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در هاویه بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی!
- 9 اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم،
- 10 در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت.
- 11 و گفتم: «یقیناً تاریکی مرا خواهد پوشانید.» که در حال شب گرداگرد من روشنایی گردید.
- 12 تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است و تاریکی و روشنایی یکی است.
- 13 زیرا که تو بر دل من مالک هستی؛ مرا در رحم مادرم نقش بستی.

14 تو را حمد خواهم گفت زیرا که به طور مهیب و عجیب ساخته شده ام. کارهای تو عجیب است و جان من این را نیکو می داند.

15 استخوانهایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهان ساخته می شدم و در اسفل زمین نقشبندی می گشتم.

16 چشمان تو جنین مرا دیده است و در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده، در روزهایی که ساخته می شد، وقتی که یکی از آنها وجود نداشت.

17 ای خدا، فکرهای تو نزد من چه قدر گرامی است و جمله آنها چه عظیم است!

18 اگر آنها را بشمارم، از ریگ زیاده است. وقتی که بیدار می شوم هنوز نزد تو حاضر هستم.

19 یقیناً ای خدا شریران را خواهی کشت. پس ای مردمان خون ریز از من دور شوید.

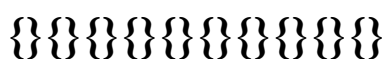
20 زیرا سخنان مکرآمیز درباره تو می گویند و دشمنانت نام تو را به باطل می برند.

21 ای خداوند آیا نفرت نمی دارم از آنانی که تو را نفرت می دارند، و آیا مخالفان تو را مکروه نمی شمارم؟

22 ایشان رابه نفرت تام نفرت می دارم. ایشان را دشمنان خویشان میشمارم.

23 ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان،

24 و ببین که آیا در من راه فساد است و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما.

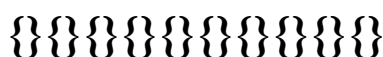


دعای حفاظت

مزمور 140

برای سالار مغنیان. مزمور داود.

- 1 ای خداوند مرا از مرد شریر رهایی ده و از مرد ظالم مرا محفوظ فرما.
- 2 که در دل‌های خود در شرارت تفکر می‌کنند و تمامی روز برای جنگ جمع میشوند.
- 3 دندانهای خود را مثل مار تیز می‌کنند و زهر افعی زیر لب ایشان است. سلاه
- 4 ای خداوند مرا از دست شریر نگاه دار، از مرد ظالم مرا محافظت فرما که تدبیر می‌کنند تا پایهای مرا بلغزانند.
- 5 متکبران برای من تله و ریسمانها پنهان کرده و دام بسر راه گسترده، و کمندها برای من نهاده اند. سلاه
- 6 به خداوند گفتم: «تو خدای من هستی. ای خداوند، آواز تضرع مرا بشنو!»
- 7 ای یهوه خداوند که قوت نجات من هستی، تو سر مرا در روز جنگ پوشانیده ای.
- 8 ای خداوند، آرزوهای شریر را برایش بر میاور و تدابیر ایشان را به انجام مرسان مبادا سرافراشته شوند. سلاه
- 9 و اما سرهای آنانی که مرا احاطه میکنند، شرارت لبهای ایشان آنها را خواهد پوشانید.
- 10 اخگرهای سوزنده را بر ایشان خواهند ریخت. ایشان را در آتش خواهند انداخت و در ژرفیها که دیگر نخواهند برخاست.
- 11 مرد بد گو در زمین پایدار نخواهد شد. مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را هلاک کند.
- 12 میدانم که خداوند دادرسی فقیر را خواهد کرد و داوری مسکینان را خواهد نمود.
- 13 هر آینه عادلان نام ترا حمد خواهند گفت و راستان به حضور تو ساکن خواهند شد.

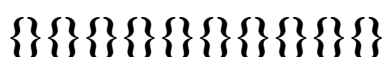


درخواست کمک

مزمور 141

مزمور داود

- 1 ای خداوند ترا می خوانم. نزد من بشتاب و چون ترا بخوانم آواز مرا بشنو.
- 2 دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود، و برافراشتن دستهایم، مثل هدیه شام.
- 3 ای خداوند، بر دهان من نگاهبانی فرما و در لبهایم را نگاه دار.
- 4 دل مرا به عمل بد مایل مگردان تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم. و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم.
- 5 مرد عادل مرا بزند و لطف خواهد بود، و مرا تأدیب نماید و روغن برای سر خواهد بود! و سر من آن را ابا نخواهد نمود زیرا که در بدیهای ایشان نیز دعای من دایم خواهد بود.
- 6 چون داوران ایشان از سر صخره ها انداخته شوند، آنگاه سخنان مرا خواهند شنید زیرا که شیرین است.
- 7 مثل کسی که زمین را فلاح و شیار بکند، استخوانهای ما بر سر قبرها پراکنده می شود.
- 8 زیرا که ای یهوه خداوند، چشمان من بسوی توست. و بر تو توکل دارم. پس جان مرا تلف منما!
- 9 مرا از دامی که برای من نهاده اند نگاه دار و از کمند های گناهکاران.
- 10 شریران به دامهای خود بیفتند و من بسلامتی در بگذرم.

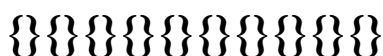


دعا در تنگی

مزمور 142

قصیده داود و دعا و تئیکه در مغاره بود

- 1 به آواز خود نزد خداوند فریاد برمی آورم. به آواز خود نزد خداوند تضرع می نمایم.
- 2 ناله خود را در حضور او خواهم ریخت. تنگی های خود را نزد او بیان خواهم کرد.
- 3 وقتی که روح من در من مدهوش می شود. پس تو طریق مرا دانسته ای. در راهی که می روم دام برای من پنهان کرده اند.
- 4 به طرف راست بنگر و ببین که کسی نیست که مرا بشناسد. ملجا برای من نابود شد. کسی نیست که در فکر جان من باشد.
- 5 نزد تو ای خداوند فریاد کردم و گفتم که تو ملجا و حصه من در زمین زندگان هستی.
- 6 به ناله من توجه کن زیرا که بسیار ذلیم. مرا از جفا کنندگانم برهان، زیرا که از من زور آورترند.
- 7 جان مرا از زندان درآور تا نام تو را حمد گویم. عادلان گرداگرد من خواهند آمد زیرا که به من احسان نموده ای.

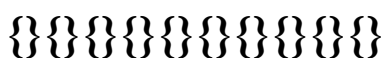


تضرع به حضور خدا

مزمور 143

مزمور داود

- 1 ای خداوند دعای مرا بشنو و به تضرع من گوش بده. در امانت و عدالت خویش مرا اجابت فرما.
- 2 و بر بنده خود به محاکمه بر میا. زیرا زنده ای نیست که بحضور تو عادل شمرده شود.
- 3 زیرا که دشمن بر جان من جفا کرده، حیات مرا به زمین کوبیده است و مرا در ظلمت ساکن گردانیده، مثل آنانی که مدتی مرده باشند.
- 4 پس روح من در من مدهوش شده، و دلم در اندرونم متحیر گردیده است.
- 5 ایام قدیم را به یاد می آورم. در همه اعمال تو تفکر نموده، در کارهای دست تو تأمل می کنم.
- 6 دستهای خود را بسوی تو دراز می کنم. جان من مثل زمین خشک، تشنه تو است. سلاه
- 7 ای خداوند، بزودی مرا اجابت فرما زیرا روح من کاهیده شده است. روی خود را از من میپوشان، مبادا مثل فرو روندگان به هاویه بشوم.
- 8 بامدادان رحمت خود را به من بشنوان زیرا که بر تو توکل دارم. طریقی را که بر آن بروم، مرا بیاموز زیرا نزد تو جان خود را برمی افرازم.
- 9 ای خداوند مرا از دشمنانم برهان زیرا که نزد تو پناه برده ام.
- 10 مرا تعلیم ده تا اراده تو را بجا آورم زیرا خدای من تو هستی. روح مهربان تو مرا در زمین هموار هدایت بنماید.
- 11 به خاطر نام خود ای خداوند مرا زنده ساز؛ به خاطر عدالت خویش جان مرا از تنگی برهان.
- 12 و به خاطر رحمت خود، دشمنانم را منقطع ساز. و همه مخالفان جان مرا هلاک کن زیرا که من بنده تو هستم.



سرود پیروزی

مزمور 144

مزمور داود

- 1 **خداوند** که صخره من است، متبارک باد؛ که دستهای مرا به جنگ و انگشتهای مرا به حرب تعلیم داد.
- 2 **رحمت من** اوست و ملجای من و قلعه بلند من و رهاننده من و سپر من و آنکه بر او توکل دارم، که قوم مرا در زیر اطاعت من می دارد.
- 3 **ای خداوند**، آدمی چیست که او را بشناسی؟ و پسر انسان که او را به حساب بیاوری؟
- 4 **انسان مثل نفسی** است و روزهایش مثل سایه ای است که می گذرد.
- 5 **ای خداوند** آسمانهای خود را خم ساخته، فرود بیا و کوهها را لمس کن تا دود شوند.
- 6 **رعد را** جهنده ساخته، آنها را پراکنده ساز. تیرهای خود را بفرست و آنها را پراکنده ساز. تیرهای خود را بفرست و آنها را منهزم نما.
- 7 **دست خود را** از اعلی بفرست و مرا رهانیده، از آبهای بسیار خلاصی ده، یعنی از دست پسران اجنبی
- 8 **که دهان ایشان** به باطل سخن می گوید و دست راست ایشان، دست دروغ است.
- 9 **ای خدا**، تو را سرودی تازه می سرایم. با بربط ذات ده تار تو را ترنم خواهم نمود.
- 10 **که پادشاهان** را نجات می بخشی، و بنده خود داود را از شمشیر مهلک می رهانی.

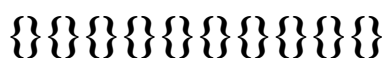
11 مرا از دست اجنبیان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان به باطل سخن می گوید و دست راست ایشان دست دروغ است.

12 تا پسران ما در جوانی خود نموّ کرده، مثل نهالها باشند. و دختران ما مثل سنگهای زاویه تراشیده شده به مثال قصر.

13 و انبارهای ما پر شده، به انواع نعمت ریزان شوند. و گله های ما هزارها و کرورها در صحراهای ما بزایند.

14 و گاوان ما بار بردار شوند و هیچ رخنه و خروج و ناله ای در کوچه های ما نباشد.

15 خوشابحال قومی که نصیب ایشان این است. خوشابحال آن قوم که یهوه خدی ایشان است.



پرستش خداوند

مزمور 145

تسبیح داود

- 1 ای خدای من، ای پادشاه تو را متعال می خوانم و نام تو را متبارک میگویم، تا ابدالآباد.
- 2 تمامی روز تو را متبارک می خوانم، و نام تو را حمد می گویم تا ابدالآباد.
- 3 خداوند عظیم است و بی نهایت ممدوح، و عظمت او را تفتیش نتوان کرد.
- 4 طبقه تا طبقه اعمال تو را تسبیح می خوانند و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود.
- 5 در مجد جلیل کبریایی تو و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود.
- 6 در قوت کارهای مهیب تو سخن خواهند گفت. و من عظمت تو را بیان خواهم نمود.
- 7 و یادگاری کثرت احسان تو را حکایت خواهند کرد. و عدالت تو را خواهند سراپید.
- 8 خداوند کریم و رحیم است و دیر غضب و کثیر الاحسان.
- 9 خداوند برای همگان نیکو است، و رحمت های وی بر همه اعمال وی است.
- 10 ای خداوند جمیع کارهای تو، تو را حمد می گویند. و مقدّسان تو، ترا متبارک می خوانند.
- 11 درباره جلال ملکوت تو سخن می گویند و توانایی تو را حکایت میکنند.
- 12 تا کارهای عظیم تو را به بنی آدم تعلیم دهند و کبریایی مجید ملکوت ترا.

13 ملکوت تو، ملکوتی است تا جمیع دهرها و سلطنت تو باقی تا تمام دورها.

14 خداوند جمیع افتادگان را تأیید می کند و خمشدگان را برمی خیزاند.

15 چشمان همگان منتظر تو می باشد و تو طعالم ایشان را در موسمش میدهی.

16 دست خویش را باز می کنی و آرزوی همه زندگان را سیر می نمایی.

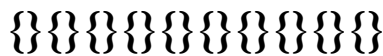
17 خداوند عادل است در جمیع طریق های خود و رحیم در کل اعمال خویش.

18 خداوند نزدیک است به انانی که او را می خوانند، به آنانی که او را به راستی می خوانند.

19 آرزوی ترسندگان خود را بجا می آورد و تضرع ایشان را شنیده، ایشان را نجات می دهد.

20 خداوند همه محبان خود را نگاه می دارد و همه شریران را هلاک خواهد ساخت.

21 دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت و همه بشر نام قدّوس او را متبارک بخوانند تا ابدالآباد.



سعادت توکل به خدا

مزمور 146

- 1 هَللویاه، ای جان من خد/وند را تسبیح بخوان.
- 2 تا زنده هستم، خد/وند را حمد خواهم گفت. مادامی که وجود دارم، خدای خود را خواهم سراپید.
- 3 بر رؤسا توکل مکنید و نه بر ابن آدم که نزد او اعانتی نیست.
- 4 روح او بیرون می رود و او به خاک خود برمی گردد و در همان روز فکرهایش نابود می شود.
- 5 خوشابحال آنکه خدای یعقوب مددکار اوست، که امید او بر یهوّه خدای وی می باشد،
- 6 که آسمان و زمین را آفرید و دریا و آنچه را که در آنهاست؛ که راستی را نگاه دارد تا ابدالآباد؛
- 7 که مظلومان را دادرسی می کند و گرسنگان را نان می بخشد. خد/وند اسیران را آزاد می سازد.
- 8 خد/وند چشمان کوران را باز می کند. خد/وند خم شدگان را برمی افرازد. خد/وند عادلان را دوست می دارد.
- 9 خد/وند غریبان را محافظت می کند و یتیمان و بیوه زنان را پایدار مینماید. لیکن طریق شریران را کج می سازد.
- 10 خد/وند سلطنت خواهد کرد تا ابدالآباد و خدای تو ای صهیون، نسل بعد نسل. هَللویاه!



مزمور 147

- 1 هَللویاه زیرا خدای ما را سراپیدن نیکو است و دل پسند، و تسبیح خواندن شایسته است.
- 2 خد/وند اورشلیم را بنا می کند و پراکندگان اسرائیل را جمع می نماید.
- 3 شکسته دلان را شفا می دهد و جراحت های ایشان را می بندد.
- 4 عدد ستارگان را می شمارد و جمیع آنها را به نام می خواند.
- 5 خداوند ما بزرگ است و قوّت او عظیم و حکمت وی غیر متناهی.
- 6 خد/وند مسکینان را برمی افرازد و شریران را به زمین می اندازد.
- 7 خد/وند را با تشکر بسرایید. خدای ما را با بربط سرود بخوانید.
- 8 که آسمانها را با ابرها می پوشاند و باران را برای زمین مهیا می نماید و گیاه را بر کوهها می رویاند.
- 9 که بهایم را آذوقه می دهد و بچّه های غراب را که او را می خوانند.
- 10 در قوّت اسب رغبت ندارد، و از ساقهای انسان راضی نمی باشد.
- 11 رضامندی خد/وند از ترسندگان وی است و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند.
- 12 ای اورشلیم، خد/وند را تسبیح بخوان. ای صهیون، خدای خود را حمد بگو.
- 13 زیرا که پشت بندهای دروازه هایت را مستحکم کرده و فرزندان را در اندرون مبارک فرموده است.
- 14 که حدود تو را سلامتی می دهد و تو را از مغز گندم سیر می گرداند.

15 که کلام خود را بر زمین فرستاده است و قول او به زودی هر چه تمام تر می دود.

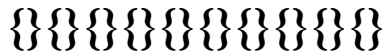
16 که برف را مثل پشم می باراند، و ژاله را مثل خاکستر می پاشد.

17 که تگرگ خود را در قطعه ها می اندازد و کیست که پیش سرمای او تواند ایستاد؟

18 کلام خود را می فرستد و آنها را می گدازد. باد خویش را می وزاند، پس آبها جاری می شود.

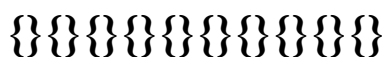
19 کلام خود را به یعقوب بیان کرده، و فرایض و داویهای خویش را به اسرائیل.

20 با هیچ امّتی چنین نکرده است و داوریهای او را ندانسته اند. هلولیاه.



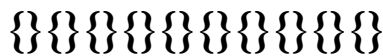
مزمور 148

- 1 هَللویاه، خد/وند را از آسمان تسبیح بخوانید. در اعلیٰ علّین او را تسبیح بخوانید.
- 2 ای همه فرشتگانش او را تسبیح بخوانید. ای همه لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید.
- 3 ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید. ای همه ستارگان نور او را تسبیح بخوانید.
- 4 ای فلک الافلاک او را تسبیح بخوانید، و ای آبهایی که فوق آسمانهایید.
- 5 نام خد/وند را تسبیح بخوانند زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند.
- 6 و آنها را پایدار نمود تا ابدالآباد و قانونی قرار داد که از آن در نگذرند.
- 7 خد/وند را از زمین تسبیح بخوانید، ای نهنگان و جمیع لجه ها.
- 8 ای آتش و تگرگ و برف و مه و باد تند که فرمان او را به جا می آورید.
- 9 ای کوهها و تمام تل ها و درختان میوه دار و همه سروهای آزاد.
- 10 ای وحوش و جمیع بهایم و حشرات و مرغان بالدار.
- 11 ای پادشاهان زمین و جمیع امّت ها و سروران و همه داوران جهان.
- 12 ای جوانان و دوشیزگان نیز و پیران و اطفال.
- 13 نام خد/وند را تسبیح بخوانند. زیرا نام او تنها متعال است و جلال او فوق زمین و آسمان.
- 14 و او شاخی برای قوم خود برافراشته است، تا فخر باشد برای همه مقدّسان او، یعنی برای بنی اسرائیل که قوم مقرّب او می باشند. هَللویاه



مزمور 149

- 1 هَللویاه! خد/وند را سرود تازه بسرایید و تسبیح او را در جماعت مقدّسان.
- 2 اسرائیل در آفریننده خود شادی کنند. و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد نمایند.
- 3 نام او را با رقص تسبیح بخوانند. با بربط و عود او را بسرایند.
- 4 زیرا خد/وند از قوم خویش رضامندی دارد. مسکینان را به نجات جمیل می سازد.
- 5 مقدّسان از جلال فخر بنمایند. و بر بسترهای خود ترنّم بکنند.
- 6 تسبیحات بلند خدا در دهان ایشان باشد. شمشیر دو دمه در دست ایشان.
- 7 تا از امّت ها انتقام بکشند تأدیب ها بر طوایف بنمایند.
- 8 و پادشاهان ایشان را به زنجیرها ببندند و سروران ایشان را به پابندی های آهنین.
- 9 و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجر دارند. این کرامت است برای همه مقدّسان او. هَللویاه



مزمور 150

- 1 هَللویاه، خدا را در قدس او تسبیح بخوانید در فلکِ قوّت او، او را تسبیح بخوانید.
- 2 او را بسبب کارهای عظیم او تسبیح بخوانید. او را به حسب کثرت عظمتش تسبیح بخوانید.
- 3 او را به آواز گَرَنّا تسبیح بخوانید. او را با بربط و عود تسبیح بخوانید.
- 4 او را با دف و رقص تسبیح بخوانید. او را با ذوات اوتار و نی تسبیح بخوانید.
- 5 او را با صنجهای خوش صدا تسبیح بخوانید.
- 6 هر که روح دارد، خد/وند را تسبیح بخواند. هَللویاه

